

خاطره انگیزترین مسابقات تاریخ جام جهانی

فاجعه، تراژدی، معجزه، دوست داشتنی و منزجرکننده!

فرخ حسابدی

خبرنگار ورزشی

برخی از بازی‌ها به خاطر کیفیت بالا یا روحیه ورزشکاری خود در یادها باقی می‌مانند. در حالی که برخی دیگر مترادف با جنگ و جدل و بازی ناچونمردانه هستند.

اگر یک چیز وجود داشته باشد که جام جهانی آن را تضمین می‌کند، آن یک درام هیجان‌انگیز است. این تورنمنت هرگز بدون تنش نیست، این موضوع با توجه به اینکه ما در مورد اوج فوتبال حرفه‌ای صحبت می‌کنیم، اصلاً تعجب‌آور نیست. هیجان فوتبال هرگز و در هیچ تورنمنتی به اندازه جام جهانی بالا نیست. با این حال، بعضی از بازی‌ها گاهی به دلیل کیفیت بالا و گاهی شاید حتی بابت بدنام بودنشان و گاهی هر دو، از بقیه بازی‌ها بالاتر بوده‌اند و برای همیشه در خاطرات جام جهانی و کتاب فوتبال باقی مانده‌اند.

برزیل ۲-۱ اروگوئه | ۱۹۵۰

نلسون رودریگز نمایشنامه‌نویس افسانه‌ای برزیلی با خشم گفت: «هر کشوری فاجعه

ملی غیرقابل جبران خود را دارد، چیزی شبیه هیروشیما. فاجعه ما، هیروشیما، شکست مقابل اروگوئه در سال ۱۹۵۰ بود.»

این یک بیانیه توهین‌آمیز هذل‌آمیز بود. اما بینشی از تأثیر «ماراکانازو» («ضربه ماراکانا») را بر روان ملی مردم برزیل ارائه می‌دهد. برزیلی‌ها کاملاً مطمئن بودند که سلسائو در زمین خود جام جهانی را می‌برد. یک آهنگ مخصوص جشن قهرمانی آماده شده بود، یک روزنامه سلسائو را در صبح روز مسابقه با اروگوئه «قهرمان جهان» اعلام کرد. مسابقه‌ای که عملاً فینال بود، با توجه به اینکه تنها آبی‌ها می‌توانستند با پیروزی در آخرین بازی از جام جهانی ۱۹۵۰ که شبیه مینی‌لیگ برگزار شد از برزیل پیشی بگیرند.

برزیل که سال قبل در کوپا آمریکا ۱-۵ اروگوئه را شکست داده بود، برای اولین بار تنها به یک تساوی نیاز داشت و در دقیقه ۴۷ توسط فریقا پیش افتاد. با این حال، خوان آلبرتو شیاپینو در نیمه دوم بازی را به تساوی کشاند تا اینکه آلدیس گیچیا تلخ‌ترین گل در تاریخ فوتبال برزیل را برای قهرمانی اروگوئه در جام جهانی به ثمر رساند. در آن روز حدود دویست و بیست

هزار نفر در ماراکانا حضور داشتند و با این حال، در پایان بازی، فقط فریادهای شادی بازیکنان تیم پیروز شنیده می‌شد.

برزیل به‌عنوان یک ملت در شوک فرو رفت. دست‌کم دو نفر در زمین دست به خودکشی زدند. در حالی که موجی از خودکشی‌ها نیز در سراسر کشور گزارش شده بود. تیم ملی برزیل عملاً از ابتدا شروع کرد و حتی رنگ لباس خود را به ترکیب معروف پیراهن زرد و شورت آبی تغییر داد که امروزه می‌شناسیم. درد «ماراکانازو» اما هرگز واقعاً از بین نرفت. برخی از بازیکنان هم هرگز بهبود نیافتند. آگوستو، یوونال، بیگود و چیکو دیگر هرگز برای تیم ملی بازی نکردند.

مجارستان ۳-۲ آلمان غربی | ۱۹۵۴

استادیم و انکدورف قرار بود محل برگزاری مراسم تاجگذاری در ۴ ژوئیه ۱۹۵۴ باشد اما در عوض صحنه نمایش «معجزه برن» شد. مجارستان به‌عنوان اصلی‌ترین مدعی قهرمانی به فینال جام جهانی راه یافته بود. «مجارهای بزرگ» بهترین تیمی بودند که فوتبال تا به حال دیده بود. آنها قهرمانان المپیک بودند و ۳۲

بازی بدون شکست داشتند. علاوه بر این، آنها حریف نهایی خود، آلمان غربی را در مرحله گروهی شکست داده بودند و ساندرو کوچیس چهار بار در برد ۸-۳ گلزنی کرد. در حالی که فرانس پوشکاش که تا حدی مضموم بود و زولتان زیبور پس از هشت دقیقه در برن با نتیجه ۲-۰ مجارستان را پیش انداختند، به نظر می‌رسید یک شکست دیگر برای آلمان غربی ثبت شده باشد. با این حال، آنها به لطف گل‌های مکس و لاک و هلموت ران در نیمه اول بازی را به تساوی کشاندند.

آلمان در فاصله شش دقیقه به بازیابی بازی توسط ران گل برتری را زد و شوک بزرگ را به تیم مجارستان وارد کرد. این بازی با جنجال همراه بود؛ مجارستان اعتقاد داشت خطایی در گل دوم آلمان رخ داده است و گل تساوی پوشکاش هم به اشتباه افساید همچنین ادعاهای تأیید نشده بعدی وجود داشت مبنی بر اینکه به بازیکنان آلمان، شاید بدون اطلاع آنها، مواد نرورا داده شده است، هرچند که در آن زمان قانونی برای دوپینگ وجود نداشت. برخی دیگر ادعا کردند که برندگان

فقط از پوشیدن کفش‌های جدید آدیداس با گل‌میخ‌های پیچ‌دار که تحویلی بزرگ در فوتبال بودند و می‌توانستند با سطوح مختلف بازی سازگار شوند، سود برده‌اند. حقیقت هر چه که بود، بازیکنان آلمان به‌عنوان قهرمانان تجلیل شدند و به خاطر بازگرداندن اعتماد به نفس به ملتی که هنوز با پیامدهای جنگ جهانی دوم کنار نیامده بود، تحسین شدند. حتی فیلمی درباره «معجزه برن» ساخته شد. در این میان در مجارستان ادعا شد که شوک و خشم ناشی از این شکست، بذر ناراضی‌ای از رژیم کمونیستی آن زمان این کشور را کاشت که به قیام ۱۹۵۶ انجامید.

شیلی ۲-۰ ایتالیا | ۱۹۶۲

دیوید کلمن اتفاقات دیدار شیلی با ایتالیا در جام جهانی ۱۹۶۲ را به‌عنوان «احمقانه‌ترین، وحشتناک‌ترین، منزجرکننده‌ترین و ننگین‌ترین نمایش فوتبال در تاریخ این ورزش» معرفی کرد. مخالفت با آن سخت است. در بازی سانتیاگو فقط دو کارت قرمز نشان داده شد هر دو برای ایتالیا. اما در همین بازی پلیس مجبور شد در چهار نوبت مختلف در تلاشی نامیدکننده

برزیل ۱-۰ انگلیس | ۱۹۷۰



این یکی از دوست‌داشتنی‌ترین تصاویر تاریخ جام جهانی است؛ پله و بابی مور در حال تعویض پیراهن‌ها در پایان یک مسابقه بزرگ. جوهره اخلاق ورزشی و بازی جوانمردانه.

برزیل در آن روز پیروز شده بود و پله به زرنینیو پاس گل داد تا تکلیف

برنده این بازی مرحله گروهی را که در شرایط سوزان در گوآدالاخارا انجام شد، روشن کند. با این حال، در بیشتر موارد، این دو ستاره برزیل از تکل‌های درست و کاملاً موقوع مور ناامید شده بودند و سپس «مهار قرن» هم در این بازی از راه رسید.

زمانی که زرنینیو یکی از آن سانترهای زیبای موج خود را فرستاد، هیچ شکی در مورد اینکه چه کسی قرار است در انتهای آن قرار بگیرد وجود نداشت. پله شاید بازیکن قد بلندی نبود، اما می‌توانست مانند ماهی قزل‌آلا بپرد و ضربه سر بزند.

پله ضربه را زد و حتی فریاد شادی گل را سر داد. با این حال، گوردون بنکس، دروازه‌بان تیم ملی انگلیس، با یک شیرجه استثنایی توپ را مهار کرد و از بالای دروازه به بیرون زد.

حتی پله هم تحت تأثیر قرار گرفت. او بعداً اعتراف کرد: «من نمی‌توانستم آنچه را دیده بودم، باور کنم. اما خوشحالم که او ضربه سر من را مهار کرد، زیرا این حرکت شروع دوستی بین ما بود که من همیشه آن را ارزشمند می‌دانم.» در مورد بابی مور هم که پله بعداً با او همبازی شد دقیقاً همین‌طور بود. برزیل-انگلیس در سال ۱۹۷۰ ممکن است هیجان‌انگیزترین بازی تاریخ جام جهانی نبوده باشد، اما همچنان یکی از نمادهای اصلی بازی جوانمردانه در تاریخ فوتبال است.

انگلیس ۴-۲ آلمان غربی | ۱۹۶۶



برای طرفداران انگلیس، گزارش کنت ولستنهولم در مورد وقت‌های اضافی جام جهانی ۱۹۶۶ مدت‌هاست که به فرهنگ عامه فوتبال منتقل شده است. «و حالا هرست... او صاحب توپ است... بعضی از مردم به زمین ریخته‌اند، آنها فکر می‌کنند همه چیز تمام شده

است! و حالا تمام شده!»

ضربه پر قدرت جف هرست در پیروزی معروف ۴-۲ انگلیس مقابل آلمان غربی به چند دلیل تاریخی بود. اولاً، هیچ بازیکنی قبلاً در فینال جام جهانی هت‌تریک نکرده بود و این شاهکاری است که هنوز تکرار نشده است. ثانیاً، انگلیس برای اولین و تنها بار در تاریخ فوتبال قهرمان جهان شد.

با این حال، برای اکثر هواداران بی‌طرف، به یادماندنی‌ترین لحظه بازی گل سوم هرست نبود، بلکه گل دوم او بود. در حالی که بازی به شدت نزدیک و با تساوی ۲-۲ بود، هرست شوتی را روانه دروازه کرد که به تیر دروازه خورد و روی خط پایین آمد. داور گوئفرید داینست مطمئن نبود که از خط عبور کرده است یا خیر، بنابراین با توفیق بهراموف، کمک داور مشورت کرد و او دستور داد که گل را قبول کند. این یکی از بحث‌برانگیزترین تصمیم‌های فوتبال باقی ماند، زیرا عملاً فینال را به نفع انگلیس رقم زد و زمین‌ها ناامیدانه به دنبال گل تساوی بودند که هرست دوباره در ثانیه‌های پایانی ضربه را زد. تحقیق و آزمایشی که چندین دهه بعد در دانشگاه آکسفورد روی آن صحنه انجام شد ادعا کرد که فناوری ویدیویی نشان می‌دهد که «فقط» ۹۷ درصد از توپ از خط عبور کرده است و نه همه آن.

برزیل ۴-۱ ایتالیا | ۱۹۷۰



غیرممکن است که نسبت به تیم جام جهانی ۱۹۷۰ ایتالیا احساس همدردی نداشته باشید. تنها چهار روز پس از غلبه بر آلمان غربی در «بازی قرن»، آنها باید با بزرگترین تیم ملی که فوتبال تا به حال به خود دیده است، بازی می‌کردند. برزیل تیمی زیبا و پر زرق و برق پر از ستاره‌های فوق‌العاده بود، از جمله پله، که ۱۲ سال پس از اولین قهرمانی‌اش برای کسب سومین جام جهانی تلاش می‌کرد. تارسیزیو بورگنیچ بازیکن ایتالیا بعداً فاش کرد: «قبل از بازی به خودم گفتم که پله مانند بقیه از پوست و استخوان ساخته شده است اما من اشتباه می‌کردم.» تنها ۱۸ دقیقه پس از بازی در مکزیکوسیتی، پله بلند شد و با یک ضربه سر به گل رسید. ایتالیا توانست توسط روبرتو بونینسینا بازی را به تساوی بکشاند اما برزیل در نیمه دوم کار را تمام کرد. جرسون با یک ضربه پای چپ خیره‌کننده از راه دور گلزنی کرد، زرنینیو روی پاس پله به اولین بازیکنی تبدیل شد که در همه بازی‌های یک جام جهانی گلزنی می‌کند و بعد هم کارلوس آلبرتو بهترین گل تیمی را که تا به حال زده شده ثبت کرد. برد ۴-۱ برزیل هنوز به‌عنوان بهترین نمایش «بازی زیبا» در تاریخ فوتبال شناخته می‌شود.

ایتالیا ۴-۳ آلمان غربی | ۱۹۷۰



بازی قرن برای مدت‌های طولانی به نظر می‌رسید که قرار است نمونه‌ای از کتاب درسی کاتناچیو باشد. ایتالیا در نیمه‌نهایی جام جهانی ۱۹۷۰ با آلمان غربی در مکزیکوسیتی در دقیقه هشتم پیش افتاد و از آن لحظه با سبک معروف خود دفاع کرد اما بعد اتفاق عجیبی افتاد.

تنها چند ثانیه مانده به پایان، خط دفاعی ایتالیا به رهبری جاجینتو فاکتی افسانه‌ای شکسته شد. این مدافع میانی میلان کارل هاینز اشنلینگر بود که با اولین و تنها گل ملی خود بازی را به وقت اضافه کشاند.

آنچه بعد از آن اتفاق افتاد مسلماً دراماتیک‌ترین نیم ساعت فوتبالی بود که جام جهانی تا به حال به خود دیده است. پنج گل در وقت اضافه به ثمر رسید، زیرا تمام برنامه‌های تاکتیکی دو تیم از دستور کار آنها خارج شد و هر دو تیم به دلیل گرمای شدید به شدت از خستگی رنج می‌بردند.

گرد مولر آلمان‌ها را پیش انداخت و سپس با گل‌های تارسیزیو بورگنیچ و جیجی ریوا ایتالیا دوباره جلو افتاد. با این حال، کمی بیش از ۶۰ ثانیه پس از اینکه مولر نتیجه را ۳-۳ کرد، جیانی ریورا با خونسردی ضربه‌ای زد که ایتالیا را برنده این مسابقه کرد. بازیکنان آلمان در پایان، غمگین و ماتم‌زده بودند، با این حال، قطعاً هیچ شرمی در این شکست برای آنها وجود نداشت، زیرا آنها نقش خود را در یک رویارویی جذاب ایفا کردند. روزنامه بیلد پس از بازی نوشت: «می‌توانیم به تیم خود تبریک بگوییم، زیرا آنها شکست نخورده‌اند، حتی اگر تابلوی نتیجه چیز دیگری بگوید.»

آلمان غربی ۲-۱ هلند | ۱۹۷۴



یوهان نيسکنز، هافبک هلندی، تنها دو دقیقه پس از شروع فینال جام جهانی ۱۹۷۴، یک ضربه پنالتی را به گل تبدیل کرد. اولین بازیکن آلمان غربی که توپ را لمس کرد، دروازه‌بان سبک ماير بود که توپ را از درون دروازه بیرون آورد. چنین گلی زود هنگام باید

شروعی رؤیایی به حساب می‌آمد، با این حال جانی رپ هنوز از اینکه هلندی‌ها اول و به این سرعت گل زدند پشیمان است. چرا؟ زیرا بازیکنان هلند بعد از گل بیشتر به «مسخره کردن آلمانی‌ها» علاقه‌مند شدند تا گل دوم.

ویلم ون هانگم حتی بعداً در کتاب «نارنجی درخشان» اعتراف کرد که جنگ جهانی دوم در تمایل او به تحقیر آلمان‌ها نقش داشت: «برایم مهم نبود که فقط با یک گل پیش هستیم چون می‌خواستیم آنها را تحقیر کنیم.»

یوهان کرویف و یارانش با توتال فوتبال، جهان را مجذوب خود کرده بودند، اما آنها به دلیل غرور خود مجازات شدند. زمین‌ها در اواسط نیمه اول یک پنالتی به دست آوردند که توسط پل برایتنر به گل تبدیل شد و بعد از آن با ضربه چرخشی گرد مولر جلو افتادند. این شصت و هشتمین و آخرین گل در ۶۲ بازی ملی باورنکردنی مولر بود، زیرا او چند هم‌تیمی‌اش درگیر اختلاف با فدراسیون فوتبال آلمان (DFB) شدند که در نهایت به امتناع بازیکنان از شرکت در یک ضیافت شام مخصوص جشن قهرمانی منجر شد. ضربه مولر دردناک‌ترین شکست تا به هلند تحمیل کرد. همان‌طور که رپ بعداً اعتراف کرد: «تقصیر خودمان بود.»

آلمان غربی ۳-۳ فرانسه (۵-۴ پنالتی) | ۱۹۸۲

قهرمان یکی از بزرگترین بازی‌های تمام دوران نیز شخصیت منفی آن بازی بود. هارولد شوماخر در پیروزی آلمان غربی مقابل فرانسه در ضربات پنالتی در سال ۱۹۸۲ دو پنالتی را مهار کرد. اگرچه او نباید در زمین می‌بود. در دقیقه ۶۰ یک مسابقه جذاب نیمه‌نهایی در سووا، شوماخر از خط دروازه خارج شد و پاتریک باتیستون را با یک ضربه سنگین پرشی نقش بر زمین کرد. به طرز باورنکردنی، چارلز کورور داور حتی یک پنالتی هم نگرفت، چه برسد به اینکه کارت قرمزی را صادر کند که جریمه قطعی آن خطا بود. باتیستون نه تنها دودندان خود را از دست داده بود، بلکه بر اثر ضربه وحشیانه شوماخر که منجر به شکستگی سه دنده او شد، بیهوش شده و به کار رفت. میشل پلاتینی بعداً اعتراف کرد که فکر می‌کرد باتیستون در همان شب در زمین مرده است. خوشبختانه، این مدافع بهبودی کامل پیدا کرد و نقش خود را در کسب اولین جام بین‌المللی مهم فرانسه، یعنی قهرمانی اروپا، دو سال بعد ایفا کرد.

